

بررسی عوامل مؤثر بر اعتقاد به آموزه معاد در میان نوجوانان

مقاله پژوهشی
اصیل
Original
Article

سید مرتضی هنرمند،^۱ مهین کرامتی فرد،^۲ فاطمه طاهری،^۳ علی هراتیان^۴

چکیده

هدف: تحقیق حاضر با هدف بررسی و شناخت مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در بی‌توجهی و کم‌رنگ شدن ایمان نوجوانان نسبت به آموزه معاد انجام شد تا در سایه آن، نهادهای متکفل تعلیم و تربیت بتوانند عوامل تضعیف‌کننده را بازشناسی و برای رفع آن به منظور تقویت ایمان و توجه نوجوانان به آموزه معاد و بهره‌گیری از آثار آن اقدام کنند. **روش:** جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانش‌آموزان منطقه سردرود شهرستان رزن بودند که تعداد ۲۳۴ نفر از آنان به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها، از روش توزیع مجازی پرسشنامه فردبه‌فرد استفاده شد. تجزیه و تحلیل حاصل از این پژوهش نیز با استفاده از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس، در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شد. **یافته‌ها:** عواملی همچون اوضاع گفتگامی، گفتمان مدرن، آموزه‌های ایدئولوژیک، دینداران، شرایط ساختاری، ساختار مدرن و فضا سازی، به ترتیب بیشترین اثر را در بی‌توجهی و کم‌رنگ شدن ایمان نوجوانان به معاد دارند؛ اما در خصوص آموزه‌های دینی، متولیان دین و ویژگی‌های فردی (جنسیت)، اثر معناداری مشاهده نشد. **نتیجه‌گیری:** در سایه توجه به چنین تحقیقاتی، نهادهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز تعلیم و تربیت می‌توانند از خانه، مدرسه، حوزه علمیه و دانشگاه بهره‌گرفته، ایمان به آموزه معاد را در قشر نوجوان تقویت کنند.

واژگان کلیدی: معاد، نوجوانان، بنیادهای نظری، دین‌گرایی، آموزه‌های دینی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷

۱. سطح ۴ حوزه علمیه قم، رشته فقه و اصول؛ استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر. ملایر، ایران (نویسنده مسئول). نشانی: قم؛ خیابان شهدا، کوچه ممتاز، کوچه ۷؛ کوچه ۲۴، پلاک ۲۱، ک.ب: ۳۷۱۵۶۱۷۷۹۷؛ تلفن: ۰۹۱۰۲۰۴۰۰۹۱ / navust@iran.ir
۲. دکترای فلسفه اسلامی، استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر. ملایر، ایران. تلفن: ۰۹۱۸۴۴۰۱۶۲۵ / mahinkeramati@yahoo.com
۳. کارشناس ارشد، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه ملایر. ملایر، ایران. تلفن: ۰۹۳۸۵۹۲۸۷۶۵ / taheryfatmh493@gmail.com
۴. کارشناس ارشد، گروه مدیریت دانشگاه ملایر. ملایر، ایران. تلفن: ۰۹۱۳۲۶۹۰۲۸۸ / haratianali@yahoo.com

الف) مقدمه

یکی از اساسی‌ترین ابعاد دین و دینداری، بُعد اعتقادات است که بالاترین تأثیر را بر ابعاد دیگر دارد. از بین اعتقادات نیز بعد از توحید، اعتقاد به معاد یکی از اساسی‌ترین اصول ادیان الهی است و کسی که توحید را پذیرفته است، با اصول کاملاً عقلانی، معاد را نیز می‌پذیرد (شجاعی زند، ۱۳۸۴). عقاید و اندیشه‌های بنیادی، پایه و اساس هر نظام ارزشی و هر ایدئولوژی منسجم را تشکیل می‌دهند و آگاهانه یا نیمه‌آگاهانه در شکل‌گیری رفتار انسانها اثر می‌گذارند. در واقع؛ عامل اصلی در تعیین خط‌مشی زندگی را نوع نگرش و بینش و شناخت انسان نسبت به حقیقت خود و کمال و سعادتش تشکیل می‌دهد و کسی که حقیقت خود را تنها مجموعه‌ای از عناصر مادی و فعل و انفعالات پیچیده آنها می‌پندارد و حیات خود را منحصر به چندروزه زندگی دنیا می‌انگارد و لذت و سعادت و کمالی را ورای بهره‌های مربوط به همین زندگی نمی‌شناسد، رفتارهای خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که تنها نیازهای دنیوی و خواسته‌های این جهانی‌اش را تأمین کند. اما کسی که حقیقت خود را فراتر از پدیده‌های مادی می‌داند، مرگ را پایان زندگی ندانسته، آن را نقطه انتقال از جهان گذرا به جهان جاودانی می‌شناسد و رفتارهای شایسته خود را وسیله‌ای برای رسیدن به سعادت و کمال ابدی می‌شمارد و از سوی دیگر، سختی‌ها و ناکامی‌های زندگی دنیا، او را دلسرد و ناامید نمی‌کند و از تلاش در راه انجام وظایف و کسب سعادت و کمال ابدی، باز نمی‌دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۷)

نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه دین در ایران (رفعی‌پور، ۱۳۷۸؛ شجاعی زند، ۱۳۸۴) حاکی از این است که اعتقادات دینی، به ویژه معاد، حضور و نقش فعال و پررنگی در جامعه ایران دارد و ارزشهای دینی، از عناصر کلیدی در نظام فرهنگی جامعه محسوب می‌شوند و شناخت آنها نقش بسیار مهمی در شناخت نظام فرهنگی دارد. در صورت تطابق و سازگاری و همزیستی بین ارزشهای دینی و ارزش، زمینه همگرایی و همنوایی به وجود می‌آید و فرایند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری به نحو مطلوب صورت می‌گیرد. در صورت عدم تطابق بین این دو، میزان آسیبها، جرائم و مسائل اجتماعی در جامعه افزایش یافته، به سمت واگرایی می‌رود. بنابر این، تضعیف کارکرد دین در جامعه، خطری بزرگ محسوب می‌شود. (قصابی و طاهری، ۱۳۹۰)

بررسی عوامل مؤثر بر اعتقاد به آموزه معاد در میان نوجوانان ❖ ۱۶۱

معاد در لغت، از مصدر میمی به معنا عود (مرتضی الزبیدی، ۱۳۰۶، ج ۲: ۴۳۶) و اسم زمان و مکان به معنای زمان یا محل عود (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲: ۵۹۴) است و در جایی به کار برده می شود که شیء به حالت گذشته خود باز گردد (صدرالمآلهین، ۱۳۶۳: ۶۱۰). همچنین معاد در اصطلاح به معنای بازگشتن انسان است و بازگشت تمام اشیا به اصل خویش و همین طور یک امری ضروری؛ زیرا هر موجودی وجودش محدود به اجلی است که خداوند آن را تعیین و برآورده کرده است؛ به طوری که هیچ موجودی از اجل خود فراتر نخواهد رفت. (جوادی آملی، ۱۳۹۵)

مرگ و جهان پس از آن، از مهم ترین دغدغه های معرفتی بشر در همه دوران بوده است. توجه به زندگی پس از مرگ، از جنبه های متعددی همچون میل به بقا، کمال و معنادار بودن زندگی، برای بشر مورد نیاز است. باور به زندگی پس از مرگ، تأثیر غیر قابل انکاری بر سایر ابعاد معرفتی انسان ایجاد می کند. اعتقاد به معاد از اصول خدشه ناپذیر ادیان الهی است. در جهان بینی اسلامی، معاد از اهداف نهایی آفرینش شمرده شده است؛ قرآن مجید در این باره می فرماید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون: ۱۱۵)؛ آیا گمان کرده اید شما را بیهوده آفریده ایم و به سوی ما باز نمی گردید؟ بر همین اساس، در قرآن حدود ۱۲۰۰ آیه به مسئله معاد و خصوصیات آن پرداخته است (قرآنی، ۱۳۸۸). رسول گرامی اسلام (ص) ایمان به معاد را شرط ایمان دانسته اند و فاقد اعتقاد به معاد را فاقد ایمان می دانند. ایشان می فرمایند: «مؤمن به کسی گفته می شود که به چند چیز ایمان بیاورد: شهادت دهد که خدایی جز الله نیست؛ خدا واحد است و شریکی ندارد و شهادت دهد که من رسول خدا هستم و مرا به حق برانگیخته و به برانگیخته شدن بعد از مرگ نیز ایمان بیاورد». (صدوق: ۱۹۸)

با توجه به تحقیقات نیک پی (۱۳۸۰)، جوانان به سوی دینداری ترکیبی نوین می روند. دینداری ترکیبی نوین، یکی از انواع دینداری در جامعه جوان ایران است که در آن، برخی از اصول شیعه، برخی اصول بودیسم و برخی از نظریه های روان شناسی با هم تلفیق شده و در رفتار دینی به آن استناد می شود. تغییرات در موضوع دینداری نشان می دهد که برای جوانان، دینداری همانند بسیاری از موضوعات دیگر، از شکل پذیرش کامل و یقینی قبلی خارج شده و به موضوعی گزینشی و انتخابی و فردی تبدیل شده است.

به طور کلی، دینداری که از جمله موضوعات آن، توجه به اصول اعتقادی همچون معاد است، در جامعه کنونی ایران و در میان نوجوانان با تغییراتی در اندیشه و عملکرد مواجه است. پژوهشگران حوزه جامعه شناسی دین با بررسی تعدادی از این گونه تغییرات، بیان داشته اند که

تفاوت‌هایی در ابعاد دینداری قابل مشاهده است. وجود این وضعیت نشان می‌دهد که هرچند باورها و عواطف دینی در میان نوجوانان حاضر بادوام است، اما پذیرش و اجرای تمام ابعاد دینداری نیز از جانب نوجوانان مورد تردید است. مدرسه و دانشگاه که کارکرد تولید علم و فناوری را در جامعه بر عهده دارند، از حاملان مدرنیته محسوب می‌شوند. بنابر این، می‌توان دانش‌آموزان و دانشجویان را از حاملان آگاهی مدرن در جوامع در حال توسعه در نظر گرفت که بیشترین تأثیر را از آن می‌پذیرند. این بدین معنی نیست که با رواج آگاهی مدرن در بین دانش‌آموزان و دانشجویان، ضرورتاً از سطح دینداری آنان کاسته می‌شود؛ اما به احتمال زیاد، نوع نگرش آنان به دین و میزان دینداری آنان تغییر می‌کند. (توسلی و مرشدی، ۱۳۸۵)

باقری (۱۳۸۸) معتقد است ناکارآمدی آموزشی مباحث دینی، مانند اعتقاد به معاد، مرگ و عالم برزخ، می‌تواند ناشی از عدم توجه کافی به نیازهای دانش‌آموزان در انتخاب محتوا و به خصوص ناکارآمدی معلمان در اجرای موفق برنامه و نداشتن شیوه‌های مناسب ارائه باشد که این ناکارآمدی تا حد زیادی در بحران آفرینی یا کاستی‌ها مشاهده شده و در رفتارهای دینی و اخلاقی نسل نوجوان و جوان مؤثر است. عامل مؤثر دیگر، پایگاه اجتماعی است که به عنوان یکی از عوامل اجتماعی مهم می‌تواند در جهت‌گیری دینی افراد مؤثر باشد؛ به طوری که استارک^۱ و بین‌بریج^۲ اظهار نظر کرده‌اند افراد، گروه‌های دینی را متناسب با شرایط پایگاه اجتماعی خودشان انتخاب می‌کنند. لذا به نظر اینان، با تغییر پایگاه و چگونگی دین در افراد، دچار دگرگونی و تغییر می‌شود. رسانه‌ها را نیز در این تأثیرگذاری نمی‌توان نادیده گرفت؛ برخی از متفکران بر نقش رسانه‌ها، به ویژه رسانه‌های جدید، در شکل‌دهی ارزشها و فرهنگ جدید نسل جوانان تأکید می‌ورزند. برای مثال، دیوید کانون^۳ (۱۹۹۴) معتقد است که برخی فرایندها، به ویژه در شکل‌گیری ارزشهای نسل جوانان تأثیر دارند. وی از رسانه‌های مهاجم، وسایل ارتباطی در دسترس، ابزارهای رایانه‌ای، مسائل جهانی و غیره نام می‌برد. مدرنیته هم از جمله موضوعاتی است که مفهومی بسیار وسیع دارد و جنبه‌های مختلف زندگی شخصی و اجتماعی را شامل می‌شود. در نظریه مدرنیته، خداوند از صدرنشینی جامعه خلع می‌شود و علم به جای او گماشته شده و باورهای دینی با ارفاق به درون زندگی شخصی تبعید می‌شوند. با ظهور مدرنیته، جامعه سیاسی به تدریج از همه قیود

1. Stark
2. Bin Bridges
3. David Cannon

۱۶۳ بررسی عوامل مؤثر بر اعتقاد به آموزه معاد در میان نوجوانان

ماورای طبیعی رها می‌شود و دولت به مثابه نهادی مدرن، مسئول و ضامن حفظ آزادی تولید و تداوم قراردادهای اجتماعی می‌شود. تا پیش از این، انسانها تحت حاکمیت کلیساها بودند؛ زیرا پدران روحانی را نمایندگان حاکمیت خداوند در زمین می‌دانستند. امروزه با حاکمیت عقل، نقش دین در عرصه سیاست، کم‌رنگ شده و به تدریج از بین رفته است.

گروه‌های مرجع نیز از اهمیت بالایی برخوردارند. بر اساس این نظریه، یکی از عوامل مهم شکل‌دهنده گرایشهای فرد، تعلق گروهی است؛ بدین معنا که فرد به چه گروهی تعلق دارد. هر اجتماعی در داخل خود دارای گروه‌هایی است که افراد را بر اساس علاقه‌ای معین گرد هم آورده، به هم پیوند می‌دهد؛ مانند گروه همسالان، گروه همکاران و... بنابراین، دوام و بقای گروه‌های اجتماعی، مستلزم پذیرش و حمایت از طرف سایر اعضای گروه است. این پذیرش و حمایت هنگامی صورت می‌گیرد که فرد ارزشها و هنجارهای گروهی را رعایت و انتظارات سایر اعضای گروه را برآورده کند. (نژادموسی، ۱۳۸۸: ۶-۷)

در نهایت، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار که همان خانواده است، از بدو تولد به رفتار فرزندان خویش جهت می‌دهد. برای مثال، شاخصهای عمل به احکام توسط والدین، جدی گرفته شدن فرایض دینی توسط والدین، توبیخ فرزندان به هنگام کوتاهی در انجام فرایض دینی و تشویق فرزندان به هنگام انجام فرایض دینی، همگی تأثیر فراوانی بر دینداری یا دین‌گریزی فرزندان دارند. (نوروزی و فرهادیان، ۱۳۹۳)

این مقاله در صدد سنجش میزان اعتقاد نوجوانان به معاد و علل بی‌توجهی به آن است؛ زیرا ایران کشوری اسلامی است و بخش قابل توجهی از افراد جامعه، دین‌مدارند؛ پس فرهنگ، اعتقادات و آموزه‌های اسلامی (به ویژه اعتقاد به آموزه معاد) باید بر تمام رفتار افراد آن، به خصوص نوجوانان، حاکم باشد و هر عاملی که آن را به ضعف بکشد، شناخته و برطرف شود.

به طور کلی، اگر بخواهیم اصول بنیادین و وجودی آدمی را به لحاظ نوع نقش‌آفرینی و محتوا تقسیم‌بندی کنیم، می‌توان آن را به سه دسته تقسیم کرد؛ دسته اول، مبانی بنیادین از سنخ قضایای فلسفی و مدلل است که در جهان‌بینی و نظام ارزشی، معتبر و مقبول جامعه‌اند؛ یا به تعبیری، اعتقاداتی که مورد پذیرش اجتماع‌اند. این دسته از مبانی، بنیادی‌ترین گزاره‌های تربیتی و وجودی آدمی را شامل می‌شود. دسته دوم، گزاره‌های توصیفی-تبیینی یا تجویزی (که قابل آزمون تجربی و عملی) می‌باشند که از علوم کاربردی و تجربی نشأت می‌گیرند. دسته سوم، از اصول تشکیل‌دهنده هویت وجودی انسانها، مجموعه‌ای از

گزاره‌های تجویزی در قالب سیاسی یا حقوقی است که زیر سایه قانون اساسی، تحقق می‌پذیرد. (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰)

در این پژوهش، فقط به دسته اول و تأثیرات آن روی تک‌تک آدمیان، به خصوص نوجوانان که در حساس‌ترین سالهای عمر خود به سر می‌برند، پرداخته شده است. زندگی آدمیان بر اساس پنج دسته اساسی تشکیل‌دهنده وجود آدمی؛ یعنی تبیین حقیقت منتهای هستی، خدا و جهان، بیان خصوصیات انسانها و منابع معرفتی آدمیان و همچنین ترسیم نظام ارزشهای حاکم بر زندگی است. در نتیجه، مبنای فکری و بینش آدمیان با تک‌تک تاروپود وجودشان، برگرفته از مبانی مختلف است.

مبانی هستی‌شناختی در فلسفه اسلامی به بررسی برخی گزاره‌های توصیفی می‌پردازد که درباره خدا و دیگر جوانب هستی صحبت می‌کنند. این گزاره‌ها شامل مواردی مانند واقعیت جهان، وجود خدا به عنوان منشأ و مالک جهان، فقر و نیاز محض موجودات به واجب‌الوجود، وحدت و کثرت هستی، هدف نهایی خداوند از جهان، هدایت تمام موجودات به سوی کمال، نظام الهی در آفرینش، حکمرانی علت، یکپارچگی نظام آفرینش، و وابستگی تدریجی موجودات به عالم ماده و تحولات آنهاست.

مبانی انسان‌شناختی در فلسفه اسلامی به بررسی واقعیت وجود انسان می‌پردازد. این مباحث شامل مواردی مانند ترکیب جسم و روح در انسان، کمال و جاودانگی مربوط به روح، فطرت الهی انسان، هدفمندی آفرینش انسان، حکمرانی سنتهای الهی، کرامت ذاتی انسان، توانایی عقل، حقوق برابر انسانها، آزادی و صاحب‌اختیاری، تنوع استعدادها و تمایلات انسان، تحت تأثیر بودن و تأثیرگذاری در محیط اجتماعی، مسئولیتهای اخلاقی، نیاز به کمک و استعانت از خداوند برای رشد هویتی و ایمان به حیات بعد از این دنیاست که بر اساس اعمال اختیاری انسان شکل می‌گیرد.

مبانی معرفت‌شناختی در فلسفه اسلامی به بررسی شناخت آدمی و حدود آن می‌پردازد. این مبانی، مواردی مانند توانایی انسان در درک موقعیت خود و دیگران در هستی، اقسام مختلف علم با اعتبار و ارزش متفاوت، واقعیات نفسانی و وجدانیات که توسط انسانها دریافت می‌شوند، خلاقیت و ابداع در علم، ویژگی‌های پویایی و ثبات در علم، منابع مختلف شناخت از جمله شهود و مکاشفه، شناخت از طریق وحی و تعقل انسان را شامل می‌شود. این مبانی نشان می‌دهند که شناخت آدمی همراه با محدودیتهای و تنوع روشهای شناختی است.

مبانی ارزش‌شناختی در فلسفه اسلامی به بررسی ماهیت ارزشها و روشهای درک و اعتباربخشی آنها

۱۶۵ بررسی عوامل مؤثر بر اعتقاد به آموزه معاد در میان نوجوانان

می‌پردازد. این مبانی شامل مواردی مانند تکیه ارزشها بر واقعیتهای مربوط به عمل آدمی و نتایج آن، اندازه‌گیری اعتبار ارزشها از طریق عقل، فطرت انسانی و معیار دینی، ارزشهای متنوع و مراتب گوناگون، تابعیت عمل ارزشمند از حسن فعلی و فاعلی، اهمیت حیات طیبه و زندگی مطلوب الهی، اعتدال و همنوایی در حیات طیبه، تأسی به اولیای الهی و تبری از دشمنان الهی برای رسیدن به حیات طیبه، اهمیت عدالت و رأفت در جامعه، ارزش والای علم و عالم در نظام اسلامی، رشد تعالی انسانها از طریق زیبایی و هنر، و نمایش طبیعت به عنوان آیاتی از حکمت و لطف خداوند است.

مبانی دین‌شناختی در فلسفه اسلامی به بررسی چیستی و چرایی دین و نقش آن در زندگی و ارتباط با انسان می‌پردازد. این مبانی شامل مواردی مانند حقیقت یکپارچه دین که برای رسیدن به سعادت حقیقی از جانب خداوند نازل شده، پوشش دادن دین اسلام به تمام ابعاد زندگی انسان، تحریک به خلاقیت و ابداع، ثبات و پویایی در دین، عدم تفکیک بین دنیا و آخرت، فرد و اجتماع، جسم و روح، و معنویت و مادیت، نیاز به سنت پیامبر و معصومان برای شناخت دین، نقش آینده‌نگرانه دین اسلام، ضرورت تشکیل حکومت برای رسیدن به نظام اسلامی، پوشش بخردانه دین و راهنمایی دین در مسیر حرکت به سوی هدف و مقصد است.

۱. تعریف نظری متغیرها

یک) آموزه‌های دینی: مجموعه عقاید، احکام و اخلاق که از سوی ادیان و از طریق وحی بر بشر ارائه می‌شود و پیروان را به قبول کردن و متابعت از آن فرامی‌خواند.

دو) متولیان دین: در جوامعی نظیر ایران، علاوه بر «روحانیت»، «دولت دینی» را نیز شامل می‌شود. منظور از دولت دینی، نظام سیاسی است که در همه امور بر اساس اصول دینی باشد؛ حکومتی که پای خدا را در تمام عرصه‌های زندگی (سیاسی، فرهنگی، علمی، فردی، اجتماعی، اقتصادی) به میان می‌کشد. از این رو، به افرادی که فرامین دینی را در جامعه تبلیغ و اجرا می‌کنند، متولیان دین گفته می‌شود.

سه) دینداران: به کسانی که در حوزه اعتقاد، احکام و اخلاق فردی و اجتماعی، رعایت دستورات دین مبین اسلام را بنمایند، دیندار گفته می‌شود.

چهار) آموزه‌های اعتقادی: به مجموعه آموزه‌های سامانمند باورها و اندیشه‌های ثابت سیاسی و اجتماعی، از جمله نظامهای فکری، فلسفی و مذهبی که فرد، گروه یا جامعه دارد و در تعیین خط‌مشی، عمل یا موضع‌گیری معتقدان به آنها در مسائل سیاسی - اجتماعی مؤثر است، آموزه‌های اعتقادی گفته می‌شود (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۸۶). امور اقتصادی و تعلیم سیاسی، بیرونی‌ترین لایه هر جامعه‌ای می‌باشند و این آموزه‌ها در واقع، فراهم آورنده زمینه

مناسب برای تحقق عینی آداب و سنن عبادات و اخلاقیات اند (محمد پورداود، ۱۳۸۴). آموزه‌های اعتقادی علاوه بر برخورداری از چارچوبهای نظری مستحکم، از استواری و ثبات نیز بهره‌مند بوده و انسجام منطقی دارند.

پنج) فضا سازی: مقبولیت بخشی به موقعیت و منزلگاهی است که افراد را در فرایند گریز به سوی خود خوانده است. در این فرایند با روشهای مختلف برای جذب مخاطب تلاش می‌شود.

شش) اوضاع گفتمانی: تحلیلهای موجود در هر جامعه که مربوط به مسائل مختلفی از جمله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... بوده و به شیوه‌های گوناگون صورت می‌گیرد. اوضاع گفتمانی موجود در هر جامعه، از چارچوبهای نظری مستحکم برخوردار نیست و موقتی است و در درون خود، ممکن است از انسجام منطقی برخوردار نباشد. اوضاع گفتمانی، فراتر از آموزه‌های اعتقادی‌اند؛ زیرا رفتارهای اجتماعی و سیاسی سازمانها و نهادها و انواع عملها را نیز در برمی‌گیرند. (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۸۶)

هفت) شرایط ساختاری: هر سازمان یا جامعه‌ای دارای ساختار مدیریتی خاص خود است. ساختار موجود در جامعه تصریح می‌کند که وظایف چگونه تخصیص داده شوند. ساختار عبارت است از روابط بنیادین و به نسبت پایدار میان عناصر و یک کل که سازمان یافته‌اند. (محمد پورداود، ۱۳۸۴: ۲۰)

هشت) ساختار مدرن: ساختار مدرن مبتنی بر پیشرفت فناوری، فناوری اطلاعات، دانش علمی فعال و بر اساس تلفن همراه و فناوری است. همچنین به شیوه‌هایی در نهادهای اجتماعی و سیاسی مرتبط با سبک زندگی گفته می‌شود که تا حدود زیادی از میانه قرن ۱۶ میلادی به این سو در گوشه‌های مختلف جهان شکل گرفته است. (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۸۶)

نه) گفتمان مدرن: به معنی سازوکارهای جدید و پیشرفته موجود در جامعه و کنار گذاشتن برخی از سنتهای قدیمی در مباحثات، تبلیغات و... است. در این گفتمان، فردیت اعتلا یافته و سنت نقد می‌شود. انسان در فردیتش، شالوده نظام اندیشه یا تبیین قاعده رفتاری یا واقعیت اساسی یا والاترین ارزش به حساب می‌آید و گفتمان فرد خودمختار با ظهور به شکل سوژه دکارتی، خود را ارباب و مالک طبیعت اعلام می‌کند و به مفهوم پیشرفت و بینش فعلی از تاریخ، ارزش و بها می‌دهد. در این گفتمان، آگاهی فرد از فردیت خود، جدایی دین از دولت و تأکید بر آزادی‌های فردی رواج می‌یابد. منظور از فرد در اینجا، نه مشترکات بین انسانها، بلکه دقیقاً نقاط افتراق و امتیاز آنهاست و فرد با همه خصوصیات فردی‌اش معیار و میزان است.

بررسی عوامل مؤثر بر اعتقاد به آموزه معاد در میان نوجوانان ♦ ۱۶۷

(۵) ویژگی‌های فردی: ویژگی‌هایی اند که افراد را تعریف می‌کنند؛ مانند تحصیلات، جنسیت، سن و وراثت. در این پژوهش، ویژگی‌های مربوط به جنسیت افراد مد نظر است. (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶)

۲. تعریف عملیاتی متغیرها

یک) آموزه‌های دینی: نمره‌ای که آزمودنی از پاسخ به پرسشهای آموزه‌های دینی در پرسشنامه کسب می‌کند. این پرسشها شامل سه سؤال است که در پرسشنامه از پرسش ۱ تا ۳ را به خود اختصاص داده‌اند.

(دو) متولیان دین: نمره‌ای که آزمودنی از پاسخ به پرسشهای متولیان دین در پرسشنامه کسب می‌کند. این پرسشها شامل سه سؤال است که در پرسشنامه از پرسش ۴ تا ۶ را به خود اختصاص داده‌اند.

(سه) دینداران: نمره‌ای که آزمودنی از پاسخ به پرسشهای دینداران در پرسشنامه کسب می‌کند. این پرسشها شامل سه سؤال است که در پرسشنامه از پرسش ۷ تا ۹ را به خود اختصاص داده‌اند.

چهار) آموزه‌های اعتقادی: نمره‌ای که آزمودنی از پاسخ به پرسشهای آموزه‌های اعتقادی در پرسشنامه کسب می‌کند. این پرسشها شامل سه سؤال است که در پرسشنامه از پرسش ۱۰ تا ۱۲ را به خود اختصاص داده‌اند.

پنج) فضا سازی: نمره‌ای که آزمودنی از پاسخ به پرسشهای فضا سازی در پرسشنامه کسب می‌کند. این پرسشها شامل سه سؤال است که در پرسشنامه از پرسش ۱۳ تا ۱۵ را به خود اختصاص داده‌اند.

شش) اوضاع گفتمانی: نمره‌ای که آزمودنی از پاسخ به پرسشهای اوضاع گفتمانی در پرسشنامه کسب می‌کند. این پرسشها شامل سه سؤال است که در پرسشنامه از پرسش ۱۶ تا ۱۸ را به خود اختصاص داده‌اند.

هفت) شرایط ساختاری: نمره‌ای که آزمودنی از پاسخ به پرسشهای شرایط ساختاری در پرسشنامه کسب می‌کند. این پرسشها شامل سه سؤال است که در پرسشنامه از پرسش ۱۹ تا ۲۱ را به خود اختصاص داده‌اند.

هشت) ساختار مدرن: نمره‌ای که آزمودنی از پاسخ به پرسشهای ساختار مدرن در پرسشنامه کسب می‌کند. این پرسشها شامل سه سؤال است که در پرسشنامه از پرسش ۲۲ تا ۲۴ را به خود اختصاص داده‌اند.

نه) گفتمان مدرن: نمره‌ای که آزمودنی از پاسخ به پرسشهای گفتمان مدرن در پرسشنامه کسب می‌کند. این پرسشها شامل سه سؤال است که در پرسشنامه از پرسش ۲۵ تا ۲۷ را به خود اختصاص داده‌اند.

ده) ویژگی‌های فردی: نمره‌ای که آزمودنی از پاسخ به پرسشهای جمعیت‌شناسی در پرسشنامه کسب می‌کند. این پرسشها شامل دو سؤال مربوط به جنسیت و سن افراد پاسخگو است.

ب) روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی از شاخه میدانی و از نوع مقطعی است. جامعه آماری پژوهش مد نظر، دانش‌آموزان ۱۴ تا ۱۸ ساله منطقه سردرود شهرستان رزن در پایه‌های متوسطه اول و دوم در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ است که تعداد ۲۳۴ نفر از آنان به روش در دسترس، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها نیز از روش توزیع فرد به فرد استفاده شده که با توضیحات مختصر درباره هدف پژوهش برای افراد و آزاد بودن آنان در تکمیل و عدم تکمیل، پرسشنامه‌ها در اختیارشان قرار داده شد و پس از تکمیل، دریافت شد. پرسشنامه پژوهش حاوی سؤالات بسته، شامل دو بخش مشخصات جمعیت‌شناختی و گویه‌های مربوط پرسشهای پژوهش بود.

در پژوهش حاضر، روایی صوری و محتوایی پرسشنامه‌ها با استفاده از نظرات اساتید خبره بررسی و تأیید شد و برای پایایی پرسشنامه، از آلفای کرباخ استفاده شد که مقدار آن $0/951$ به دست آمد. از آنجا که این ضریب بیش از $0/7$ است، پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار است. همچنین تجزیه و تحلیل حاصل از پژوهش با استفاده از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس، در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شده است. در بخش آمار توصیفی، از مشخصه‌های آماری، مانند فراوانی، درصد فراوانی و میانگین و در بخش آمار استنباطی، از آزمونهای رگرسیون لجستیک و من‌ویتنی استفاده شده است.

ج) یافته‌های پژوهش

یافته‌های جمعیت‌شناسی نشان داد ۴۱ درصد از افراد نمونه را پسران و ۵۹ درصد را دختران تشکیل می‌دهند. آمار بیانگر این است که بیشتر حجم افراد نمونه را از نظر جنسیت، دختران تشکیل می‌دهند. ۱۰ درصد از افراد نمونه ۱۵ ساله، ۲۸ درصد ۱۶ ساله، ۲۷ درصد ۱۷ ساله و ۳۵ درصد ۱۸ ساله‌اند. آمار مذکور بیانگر این است که بیشتر حجم افراد نمونه، ۱۸ ساله‌اند.

بررسی عوامل مؤثر بر اعتقاد به آموزه معاد در میان نوجوانان \diamond ۱۶۹

۱۳ درصد از افراد نمونه پایه نهم، ۲۵ درصد پایه دهم، ۲۰ درصد پایه یازدهم و ۴۲ درصد نیز پایه دوازدهم می‌باشند. آمار بیانگر این است که بیشتر حجم افراد نمونه در مقطع دوازدهم‌اند. میانگین تغییر آموزه‌های دینی ۲/۹۱، تغییر متولیان دین ۲/۸۳، تغییر دینداران ۳/۰۲، تغییر آموزه‌های اعتقادی ۲/۸۱، تغییر فضاسازی ۲/۹۴، تغییر اوضاع گفتمانی ۲/۹۷، تغییر شرایط ساختاری ۲/۹۱، تغییر ساختار مدرن ۲/۸۵ و تغییر گفتمان مدرن ۲/۸۶ است. بنابر این، می‌توان گفت بالاترین میانگین مربوط به تغییر دینداران با ۳/۰۲ و کمترین میانگین مربوط به تغییر آموزه‌های اعتقادی است.

نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن در جدول ۱ نشان می‌دهد که سطح معناداری بین تمام متغیرهای پژوهش (به جز اوضاع گفتمانی و آموزه‌های اعتقادی) در سطح ۰/۰۵ و کمتر از ۰/۰۵ است و این بدان معناست که بین تمام متغیرها (به جز اوضاع گفتمانی و آموزه‌های اعتقادی) رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه ضریب همبستگی آنان می‌توان گفت که این رابطه از نوع مثبت است؛ یعنی با تقویت یک متغیر، متغیر مقابل آن نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۱: آزمون همبستگی اسپیرمن

تغییر	آموزه‌های دینی	متولیان دین	دینداران	آموزه‌های اعتقادی	فضاسازی	اوضاع گفتمانی	شرایط ساختاری	ساختار مدرن	گفتمان مدرن
آموزه‌های دینی	۰/۵۴۲ ۰/۰۰۰	۰/۴۰۹ ۰/۰۰۰	۰/۴۴۸ ۰/۰۰۰	۰/۴۸۷ ۰/۰۰۰	۰/۳۱۷ ۰/۰۰۰	۰/۴۴۹ ۰/۰۰۰	۰/۵۴۹ ۰/۰۰۰	۰/۴۷۴ ۰/۰۰۰	
متولیان دین	-	۰/۶۳۳ ۰/۰۰۰	۰/۳۷۹ ۰/۰۰۰	۰/۳۰۲ ۰/۰۰۰	۰/۲۸۳ ۰/۰۰۰	۰/۴۱۲ ۰/۰۰۰	۰/۳۸۴ ۰/۰۰۰	۰/۲۷۲ ۰/۰۰۰	
دینداران			۰/۳۹۰ ۰/۰۰۰	۰/۳۱۷ ۰/۰۰۰	۰/۲۸۷ ۰/۰۰۰	۰/۴۳۴ ۰/۰۰۰	۰/۲۸۳ ۰/۰۰۰	۰/۲۴۷ ۰/۰۰۰	
آموزه‌های اعتقادی				۰/۶۱۲ ۰/۰۰۰	۰/۱۱۳ ۰/۰۸۵	۰/۳۹۷ ۰/۰۰۰	۰/۴۹۳ ۰/۰۰۰	۰/۳۷۴ ۰/۰۰۰	
فضاسازی				۱	۰/۴۵۸ ۰/۰۰۰	۰/۴۲۷ ۰/۰۰۰	۰/۵۴۴ ۰/۰۰۰	۰/۵۴۴ ۰/۰۰۰	
اوضاع گفتمانی					۱	۰/۶۹۸ ۰/۰۰۰	۰/۵۴۸ ۰/۰۰۰	۰/۳۸۸ ۰/۰۰۰	
شرایط ساختی						۱	۰/۶۱۶ ۰/۰۰۰	۰/۴۸۱ ۰/۰۰۰	
ساختار مدرن							۱	۰/۵۳۴ ۰/۰۰۰	

گفتمان مدرن									۱
-------------	--	--	--	--	--	--	--	--	---

در جدول ۲، نتایج آزمون رگرسیون لجستیک ارائه شده است. مقدار سطح معناداری برای تمامی متغیرها به جز آموزه‌های دینی و متولیان دین، کمتر از ۰/۰۵ است و این بدان معناست که این متغیرها در بی‌توجهی نوجوانان به معاد تأثیر معناداری دارند. همچنین در ستون نسبت بختها می‌بینیم که مقدار آنها برای متغیرهای معنادار، بیشتر از یک است؛ این عدد بیان می‌کند که اثرگذاری متغیرهای معنادار بر بی‌توجهی نوجوانان به معاد، مثبت است و منجر به افزایش آن می‌شوند. آزمون والد نیز ترتیب این اثرگذاری را از بیشترین، این‌گونه بیان کرد: آموزه‌های اعتقادی: ۱۷/۰۷؛ شرایط ساختاری: ۱۲/۳۰۱؛ گفتمان مدرن: ۱۱/۷۷۳؛ دینداران: ۸/۰۹۰؛ فضا سازی: ۶/۲۸۵؛ اوضاع گفتمانی: ۵/۷۸؛ ساختار مدرن: ۴/۹۰۱.

جدول ۲: آزمون رگرسیون لجستیک

نام متغیر	B	خطای استاندارد	آزمون والد	درجه آزادی	سطح معناداری	نسبت بخت
آموزه‌های دینی	۱/۰۵۸	۰/۶۹۴	۲/۳۲۲	۱	۰/۱۲۸	۲/۸۷۹
متولیان دین	۱/۱۵۴	۰/۶۹۷	۲/۷۴۳	۱	۰/۰۹۸	۳/۱۷۱
دینداران	۲/۲۱۶	۰/۷۷۹	۸/۰۹۰	۱	۰/۰۰۴	۹/۱۶۹
آموزه‌های اعتقادی	۴/۲۱۷	۱/۰۲۱	۱۷/۰۷۰	۱	۰/۰۰۰	۶۷/۸۶۱
فضا سازی	۲	۰/۷۹۸	۶/۲۸۵	۱	۰/۰۱۲	۷/۳۹۰
اوضاع گفتمانی	۲/۱۳۰	۰/۸۸۶	۵/۷۸۰	۱	۰/۰۱۶	۸/۴۱۸
شرایط ساختاری	۳/۷۳۶	۱/۰۶۵	۱۲/۳۰۱	۱	۰/۰۰۰	۴۱/۹۱۱
ساختار مدرن	۱/۵۳۴	۰/۶۹۳	۴/۹۰۱	۱	۰/۰۲۷	۴/۶۳۷
گفتمان مدرن	۲/۵۷۸	۰/۷۵۱	۱۱/۷۷۳	۱	۰/۰۰۱	۱۳/۱۶۷

جدول ۳، آزمون من‌ویتنی را نشان می‌دهد؛ مقدار سطح معناداری برای تفاوت در بی‌توجهی دختران و پسران، ۰/۵۴۴ و بیشتر از ۰/۰۵ است و این به بدان معناست که در بی‌توجهی به معاد بین دانش‌آموزان دختر و پسر، تفاوت معناداری وجود ندارد؛ بنابراین، نمی‌توان جنسیت نوجوانان را به عنوان عامل اثرگذار بر بی‌توجهی آنان به معاد دانست.

جدول ۳: آزمون یومن ویتنی

تعداد پسرها	تعداد دخترها	سطح معناداری	میانگین رتبه پسرها	میانگین رتبه دخترها
۹۵	۱۳۹	۰/۵۴۴	۱۱۴/۶۹	۱۱۹/۴۲

د) بحث و نتیجه‌گیری

در بررسی‌های انجام شده به این مهم پی بردیم که «آموزه‌های دینی» از عوامل تأثیرگذار در بی‌توجهی نوجوانان به معاد نیست؛ زیرا در هر عصر و دوره‌ای، به تبیین مسائل اعتقادی در حد نیاز آن زمانه پرداخته شده است و مسائل دینی همیشه پویا بوده و متناسب با شرایط هر زمان عالمان دینی توانسته‌اند به تفسیر و تبیین مسائل مورد نیاز آن شرایط پردازند. همچنین عامل «متولیان دین» هم تأثیر معناداری در بی‌توجهی به معاد ندارند. حضور ایشان نه تنها باعث بی‌توجهی به معاد و مسائل اعتقادی نمی‌شود، بلکه در صورتی که ایشان به‌واقع عامل به این اعتقادات باشند، حتی اگر نوجوان وارد مرحله جوانی شود و از درک و تجزیه و تحلیل بیشتری برخوردار شود، باز هم وجود این متولیان باعث تثبیت اعتقادات می‌شود و می‌تواند نوجوان و جوان امروزی را در الگو قرار دادن این اشخاص راهنمایی کند.

عامل «دینداران» بر توجه و بی‌توجهی نوجوانان به معاد بسیار مؤثر است. تحقیقات اندرسون و همکاران (۲۰۱۹) نشان داد که فعالیتها و باورهای مذهبی افراطی دینداران باعث ایجاد اسکیزوفرنی می‌شود؛ زیرا در این تحقیق، فعالیت‌های قوی مذهبی باعث بروز توهمات مذهبی (باورهای نادرست و ناتوانی در اندیشیدن و درک معارف) در اسکیزوفرنی (روان‌گسیختگی) و اختلال اسکیزوافکتاتیو شد و ابتلا به این اختلالات را به میزان زیادی بالا برد. نتایج تحقیق اندرسون با پژوهش حاضر به این دلیل همسو است که به‌خوبی نشان می‌دهد دینداران و همچنین فعالیت‌های افراطی ایشان چگونه بر طبیعت انسانها تأثیر منفی می‌گذارد. اگر دینداران بتوانند در عمل به ارزشهای دینی تعادل را رعایت کنند، در تقید جوانان مؤثر خواهد بود؛ در غیر این صورت، بین رفتار ایشان و نوجوانان در بی‌توجهی به معاد تأثیر معناداری وجود دارد و حتی در حالت افراطی آن، باعث بیماری‌های روانی می‌شود.

از دیگر عوامل مؤثر بر توجه نوجوانان به معاد، «آموزه‌های اعتقادی» است. آموزه‌های اعتقادی حاکم بر جامعه می‌توانند از راه‌های مختلفی در افراد نفوذ کنند. هرچه میزان سازگاری افراد با نظرات جمعی بیشتر باشد، آموزه‌های اعتقادی تأثیرگذارتر خواهد بود. اگر اساس اعتقادی در جامعه بر پرورش افراد باورمند باشد، اکثر افراد انسانهای باورمند خواهند

بود و همین طور بالعکس؛ اگر اعتقاد بر تضعیف اعتقادات باشد، خانواده‌ها و تک‌تک افراد به سمت بی‌توجهی پیش خواهند رفت.

«اوضاع گفتمانی» نیز در بی‌توجهی نوجوانان به معاد تأثیر دارد؛ زیرا آزمونهای معتبر و تحقیقات ثابت می‌کنند که اوضاع گفتمانی حاکم، به تک‌تک اعضا خط‌مشی می‌دهد و تعیین می‌کند که جامعه نسبت به انسان یا دیگر موجودات و حتی جامدات چه دیدی داشته باشند؛ این سیاستها و خط‌مشی‌های موجود هستند که تعیین‌کننده مبادی بنیادی وجودی آدمی‌اند و زیربنای اندیشه را تشکیل می‌دهند.

«شرایط ساختاری» هم از عوامل تأثیرگذار است. اینکه محیط چگونه باشد و افراد را به چه سمت و سو و بینش فکری هدایت کند، بسیار مهم است. همچنین اعتقادات باعث می‌شوند که افراد به سمت ساختار متناسب با باور خویش رفته، آن را تقویت کنند. شیم‌شک و همکاران (۲۰۱۹) نیز معتقدند انسانها تحت تأثیر محیط‌اند و محیط تأثیرات بسزایی در اعتقادات جوانان و نوجوانان دارد. اگر ساختار به صورت مدرن باشد- همان‌طور که در حال حاضر به حالت مدرن و حتی پسامدرن تبدیل شده است- می‌تواند در صدد دگرگونی مبانی بنیادین نظری باشد و در برخی جوامع پیروز هم شده است؛ همین امر باعث گرایش انسانهای آن جامعه به سبک زندگی مدرن و دوری از باورهای سنتی شده است و در نتیجه، نوجوان اعتقادات دین‌گريزانه خواهند داشت.

گفتمان مدرن که نتیجه ساختار مدرن است، جامعه مدرن را به رشد فردیت سوق می‌دهد؛ فرد، واقعی‌ترین، بنیادی‌ترین و مقدم بر جامعه بشری، نهادها و ساختارهای آن و دارای ارزش اخلاقی والاتری تلقی می‌شود؛ پس حقوق و خواسته‌های او به لحاظ اخلاقی، مقدم بر خواسته‌های جامعه قرار می‌گیرد. فردگرایی به عنوان پیامد اومانيسم و سکولاریسم، محوریت غریزه و امیال انسانی در گزیدن ارزشها، خلیقیات و رفتارهاست و خرد آدمی را به منزله ابزاری در خدمت استیفا و تأمین منافع و حقوق فردی قرار می‌دهد و تکلیف و وظیفه و رعایت ضوابط اخلاقی نسبت به دیگران را وامی‌نهد (فقط تکلیف حفاظت از حقوق خود). چنین عنصری در تمامی اعتقادات از جمله اعتقاد به معاد، چیزی جز تضعیف به همراه نمی‌آورد. (جراغی کوتیانی، ۱۳۹۳)

در این پژوهش چون سن اغلب شرکت‌کنندگان حدود ۱۷ سال است، در نتیجه تفاوت فکری قابل ملاحظه‌ای بین دو جنس وجود ندارد؛ زیرا در پژوهش به این نتیجه رسیدیم که

بررسی عوامل مؤثر بر اعتقاد به آموزه معاد در میان نوجوانان ❖ ۱۷۳

هرچند بین دختران و پسران در بی‌توجهی به معاد تفاوت اساسی وجود ندارد. بنابر این، نمی‌توان جنسیت نوجوانان را به عنوان عامل اثرگذار بر بی‌توجهی آنان به معاد دانست.



منابع

- باقری، خسرو (۱۳۸۸). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ج ۲. تهران: مدرسه.
- توسلی، غلامعباس و ابوالفضل مرشدی (۱۳۸۵). «*بررسی سطح دینداری و گرایشهای دینی دانشجویان*». *جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم ش ۴: ۹۶-۱۱۸.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). *معاد در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)*، جلد ۵. ترجمه و گردآوری: علی زمانی قمشه‌ای. قم: اسراء.
- چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۹۳). «*شاخصه‌های جامعه نتیجه‌گرا و تکلیف‌مدار*». *فرهنگ پویا*، ش ۲۸: ۱۱۹-۱۱۴.
- راغب اصفهانی حسین بن محمد (۱۳۹۲ ق). *مفردات فی غریب القرآن*. قم: دفتر نشر کتاب.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفنگی اجتماعی، پژوهش در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران*. تهران: سروش.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴). «*مدلی برای سنجش دینداری در ایران*». *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، ش ۱: ۶۶-۳۴.
- صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳). *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*. تحقیق و تصحیح حامد ناجی اصفهانی. تهران: حکمت.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قصابی، رضوان و صادق طاهری (۱۳۹۰). *فرا تحلیل سنجه‌های دینداری در ایران*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی - دفتر پژوهشهای کاربردی.
- مرتضی الزبیدی، محمد بن محمد (۱۳۰۶ ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالمکتبه الحیاه.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۷). *آموزش عقاید*. تهران: چاپ و نشر بین الملل.
- نژادموسی، محمد (۱۳۸۸). *مدرنیته و مدرنیته‌ها*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شمال.
- نوروزی، فیض‌اله و سعید فرهادیان (۱۳۹۳). «*بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر دینداری جوانان*». *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، دوره سیزدهم، ش ۲۳: ۳۲-۱.

- نیک‌پی، امیر (۱۳۸۰). «نگاهی به برخی تحولات دینی در ایران معاصر». نامه انجمن جامعه‌شناسی (ویژه‌نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران)، ش ۳: ۶۱-۴۳.
- Bagheri, Khosrow (2009). **A New Look at Islamic Education, Vol. 2**. Tehran: Madreseh Publications.
- Cheraghi Koutiani, Esmail (2014). “**Characteristics of a Result-Oriented and Duty-Oriented Society**”. *Pooya Culture*, No. 28: 114-119.
- Gharaati, Mohsen (2009). **Tafsir Noor**. Tehran: Cultural Center for Lessons from the Quran.
- Javadi Amoli, Abdullah (2016). **Resurrection in the Quran (Thematic Interpretation of the Holy Quran), Vol. 5**. Translated and compiled by Ali Zamani Qomshaei. Qom: Esra Publications.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (1998). **Teaching of Beliefs**. Tehran: International Printing and Publishing Company of the Islamic Propagation Organization.
- Mortaza al-Zubaidi, Mohammad ibn Mohammad (1985). **Taj al-Arus min Jawahir al-Qamus**. Beirut: Dar al-Maktabah al-Hayah.
- Nejad Mousa, Mohammad (2009). **Modernity and Modernities**. Tehran: Islamic Azad University, North Branch Publications.
- Nikpey, Amir (2001). “**A Look at Some Religious Developments in Contemporary Iran**”. *Journal of the Iranian Sociological Association (Special Issue of the Second Conference on Social Issues in Iran)*, No. 3: 43-61.
- Norouzi, Feyzollah & Saeed Farhadian (2014). “**Examining Social and Cultural Factors Affecting Youth Religiosity**”. *Strategic Studies of Sports and Youth*, Vol. 13, No. 23: 1-32.
- Qassabi, Rezvan & Sadeq Taheri (2011). “**Meta-Analysis of Religiosity Measures in Iran**”. Tehran: Islamic Propagation Organization, Research and Educational Deputy – Applied Research Office.
- Rafipour, Faramarz (1999). **Anomie or Social Disorder, Research on the Potential for Anomie in Tehran**. Tehran: Soroush Publications.
- Ragheb Esfahani, Hossein ibn Mohammad (1972). **Mufradat fi Gharib al-Quran**. Qom: Book Publishing Office.
- Sadr al-Muta’allehin, Mohammad ibn Ibrahim (1984). **Al-Hikmah al-Muta’aliyah fi al-Asfar al-Aqliyyah al-Arba’ah**. edited and corrected by Hamed Naji Esfahani. Tehran: Hikmat Publications.
- Shojaei Zand, Alireza (2005). “**A Model for Measuring Religiosity in Iran**”. *Iranian Journal of Sociology*, Vol. 6, No. 1: 34-66.
- Tavassoli, Gholam Abbas & Abolfazl Morshedi (2006). “**Examining the Level of Religiosity and Religious Tendencies of Students**”. *Iranian Journal of Sociology*, Vol. 7, No. 4: 96-118.